

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ایسکرا ۴۹۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۰۰۹ دسامبر ۳۰

۹ دی ۱۳۸۸

Iskraa_nkk@yahoo.com

سردبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان



منصور فرزاد

سرکوب و مقدسات حکومتی، دو روی یک سکه

میخواست در اذهان مردم شکل دهد را بهم زد و این اولین بار نبوده است که مردم عمدتاً در خارج از ایران از وقوع و روند

درگیری مردم و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در روزهای اخیر توجه زیادی را بخود جلب کرد و تقریباً تمام رسانه های مهم جهان اخبار درگیری مردم با نیروهای انتظامی را درج کردند. وقایع اخیر تصویر رایج و یا آنچه را که مدیای رسمی

صفحه ۳

جمهوری اسلامی باید برود! تظاهرات میلیونی مردم علیه حکومت در تهران

"خط قرمز" را کنترل کنند، اکنون خود به وحشت افتاده اند و به هیچوجه قدرت کنترل اوضاع را ندارند. هر لحظه بر جمعیت مردم تظاهر کننده افزوده میشود.

از اوایل صبح امروز ۶ دی که مصادف با ده محرم و روز مذهبی عاشورا است، تظاهراتی عظیمی در تهران به جریان افتاده است. شعارهای سرنگونی طلبی در تمام خیابانها و میدانهای اصلی تهران طنین انداخته است. برخی گزارشها از حضور میلیونها نفر از همان اول صبح در خیابانها و میدانهای شهر سخن میگویند. وسعت تظاهرات و درگیریها و شعار دادن از تمام روزهای دیگر بیشتر است. نیروهای سرکوب و بسیج و پاسداران حکومت که قرار بود مانع تظاهرات و شعار دادن علیه حکومت شوند و

صفحه ۴



TEHRANLIVE.ORG

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مردم ایران تظاهرات کوبنده و پرشور یکشنبه ششم دیماه ۸۸ (روز "عاشورا") در تهران و شهرهای دیگر حقایق غیر قابل انکاری از قدرت و پیشروی سریع انقلاب در ایران را به نمایش گذاشت. حضور وسیع تظاهر کنندگان علیه رژیم بسیج گسترده رژیم و اعمال هرگونه جنایت، طرح شعارهای تند و سرنگونی طلبانه علیه رژیم تلاش خیل وسیعی که کوشیدند اعتراض مردم را در چهارچوب

صفحه ۲



آوات فرخی

و فرید زندگی میکرده است. زنی که از همان ابتدا با عنوان "زن جنایتکار" توسط روزنامه قدس جمهوری اسلامی نامیده شد. اتهام او زنا و رابطه نامشروع با مجید و فرید ذکر شده است و مجید و فرید هم به تجاوز و اختفای غیر قانونی

صفحه ۲

نگاهی به وضعیت زنان در حکومت اسلامی

منصوره زن ۲۵ ساله ای است که از خانه شوهرش فرار کرده و مدتی نزد دو برادر به نامهای مجید

در صفحات دیگر:

روزهای آخر سال برای من و پاره شدن طناب دار در سیرجان در آخر سال

صفحه ۵

مینا احدی

درود بر قهرمانان سیرجان

منصور فرزاد

صفحه ۶



اکنون با مشاهده اوضاع درهم ریخته و بی‌آفتی رژیم اسلامی بی‌شک مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش می‌دهند. حزب کمونیست کارگری به همه زنان و مردانی که روز پرشکوه ششم دیماه را آفرینند درود می‌فرستد و با همه داغداران جانباختگان اخیر و سی سال جنایت رژیم اسلامی صمیمانه اعلام همدردی می‌کند. حزب مردم ایران را فرامی‌خواند تا با تمام قوا برای درهم شکستن تمامی ارگانهای سرکوب و اقتدار رژیم اسلامی و سرنگونی این بختک‌سی ساله متشکل و مهیا شوند. حزب مردم را فرا می‌خواند تا با تشکیل کمیته‌های انقلابی و ارگانهای مقابله با نیروهای سرکوبگر در هر محله و منطقه و کوی و برزن، برای بعقب راندن و در هم کوبیدن اوباش بسیجی و پاسدار و دیگر نیروهای انتظامی، وارد کردن ضربه نهانی به رژیم اسلامی آماده شوند. حزب همه کارگران و معلمان و دانشجویان و دانش آموزان، همه کارمندان و پرستاران را فرا می‌خواند تا با شکل دادن به کمیته‌های اعتصاب آماده برپایی اعتصابات سراسری علیه جمهوری اسلامی شوند. با تضعیف اقتدار و حاکمیت رژیم اسلامی باید در هر قدم تعرض را ادامه داد. اکنون زمان آن رسیده است که هر نمایش اعدام و سایر مجازات اسلامی را همچون مردم سیرجان به صحنه اعتراض علیه کل حکومت

برای ضربه نهایی علیه

جمهوری ...

از صفحه ۱

برای در هم شکستن ارگانهای سرکوب و به زیر کشیدن حاکمیت جمهوری اسلامی کاملاً مصمم اند. اکنون دیگر این الوقت‌هایی نیز که میکوشیدند این انقلاب را به "رای من کجاست" و اصلاحاتی در رژیم اسلامی تقلیل دهند ناکزیرند که از آغاز انقلاب در ایران "سخن بگویند، حتی اوباما دریافته که باید فکر عافیت باشد و پیام‌های تند و تیز در محکوم کردن کشتار جمهوری اسلامی در عاشورا می‌دهد. هیچ مفسر و ناظری اکنون شانس برای بقا جمهوری اسلامی نمی‌بیند. رژیم اسلامی نه تنها در چشم مردم ایران که مردم جهان دیگر یک جسد متحرک است که هرچه زودتر باید مراسم به گور سپاری آنرا

مستقیم خود مردم، جمهوری سوسیالیستی را مستقر ساخت. حکومت نوینی که ضامن برقراری آزادی و برابری و رفاه و شادی و حرمت و سعادت همه انسانهاست. مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی، برای حکومت انسانی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۸ دیماه ۱۳۸۸، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۹

کثیف اسلامی تبدیل کرد. اکنون زمان آن رسیده است تا شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی را با برگرفتن حجاب تکمیل کرد و به تمام دنیا اعلام کرد که این "حکومت ضد زن" کارش تمام است. باید در مقابل هر دستگیری قاطعانه ایستاد و مهیا شد تا در زندانها و شکنجه گاههای رژیم را به دست توانای مردم گشود. در یک کلام این رژیم جنایتکار را باید با قدرت انقلاب منظم و سازمانیافته مردم تماماً درهم شکست و به جای آن حکومت متکی به اراده و قدرت



نگاهی به وضعیت زنان ...

از صفحه ۱

جنایتها در قوانین اسلامی نه تنها جرم محسوب نمی‌شود بلکه امری کاملاً طبیعی است. وقتی کودک ۱۳ ساله با گریه و ترس از تهدید خانواده‌اش، لباس عروسی بر تن می‌کند چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ حتی اگر برای یک لحظه این جنایت بزرگ را تصور کنید چه حالی به شما دست می‌دهد؟ شاید حتی برایتان قابل تصور هم نباشد اما من در کودکی شاهد این صحنه بودم که همبازیم با گریه و زاری لباس عروسی برتن می‌کرد. آن موقع من از عمق این جنایت هیچ نمی‌دانستم و فقط مات و مبهوت نظاره گر بودم. وقتی فکر می‌کنم میبینم چقدر از این نمونه‌ها زیاد است و چقدر از داستان زندگی زنان و

اجباری میشوند. ازدواجی که در این بندگی یاد می‌کرد. در واقع زندگی زنان در چهارچوب قوانین مردسالار و زن ستیز اسلامی هر روز بیشتر باعث قربانی شدن آنان میشود. قربانیانی که همه سند جنایت حاکمیت ارتجاع اسلامی و آخوندهای عصر حجری اند که وحشیانه شأن و منزلت انسانی زنان را از آنان سلب نموده‌اند. با توجه به اینکه از اصلی‌ترین وجه مشخصه قوانین اسلامی دشمنی با زنان و در رأس آن با انسان است، برای تحکیم حاکمیت شوم خود زنان و مردان را در تقابل و رودروئی قرار داده و از مردان هم بعنوان وسیله ای برای سرکوب زنان سوء استفاده می‌کنند. در چهارچوب این قوانین است که زنان و کودکان قربانی ازدواجهای

متهم هستند که قرار است پرونده آنها به دادگاه کیفری ارجاع شود. زندگی منصوره در خانه شوهرش و وضعیتی که باعث شده است او از خانه شوهر فرار کرده و رفتار شوهرش با او چگونه بوده که باعث شده فرار را بر قرار ترجیح دهد، موضوعی نیست که مورد رسیدگی قرار گیرد. اینکه چه اتفاقی افتاد که باعث شد منصوره خود را در خطر فرار از خانه شوهرش قرار دهد برای کسانی که او را جنایتکار و زناکار میدانند هیچ اهمیتی ندارد. برای این جانیان مهم نیست که قانونی هم وجود نداشته که منصوره برای دفاع

سرکوب و مقدسات حکومتی، ... از صفحه 1



سریع رویدادها در ایران اختناق زده دچار حیرت شده اند. این شکفت زدگی عمدتا در تصویری ریشه دارد که واقعی نیست. اینکه در تمام دوران حکومت سیاه جمهوری اسلامی و بویژه در جریان "جنگ جناحها" تلاش شده است که واقعیات بنیادی پنهان شود، تلاش شده این حقیقت که مردم جمهوری اسلامی نمیخواهند و حکومت اسلامی به دلیل تاریخی، فرهنگی و سیاسی قادر به ادامه حکومت نیست و در هر لحظه با سد مخالفت و مبارزه مردم روبرو بوده است، را پرده پوشی کنند. در روز ۶ دیماه، عاشورا در گریههای وسیعی در تهران و دیگر شهرهای ایران رخ داد. در این روز مقامات و ارگانهای دولتی و نیروهای انتظامی خود را برای مقابله با تظاهرات صدها هزار نفر آماده میگرداند و در عین حال نه جناح غالب و نه مغضوب آن انتظار نداشتند که مقدسات این روز "مقدس" بطور میلیونی زیر پا نهاده شود و بجای آن شعارهای سرنگونی حکومت اسلامی و بر علیه مقامات قاتل آن داده شود. کسی در این روز شعار مذهبی نداد و عملاً کسی این روز را گرامی نداشت. در عوض مردم در مقابل نیروهای حزب الهی و انتظامی قرار گرفتند، خیابانها را بستند و در جنگ و گریزدانی بودند. دهها موتورسیکلت متعلق به لباس شخصیها و نیروهای انتظامی به آتش کشیده شد. برخی مناطق تحت کنترل مردم در آمد و درسی به رژیم و ایت اله ها دادند که فراموش شدنی نیست. این روز به دلیل اهمیت سیاسی آن و حرکت آزادیخواهانه و بویژه ضد مذهبی آن در تاریخ مبارزات مردم ثبت خواهد شد.

سرکوب عریان و قتل مخالفین و مخالفت با هر نوع حرکت و افکار انسان دوستانه و پیشرو بکار گرفته شده است. در ایران و کشورهای اسلام زده هر روزه دهها مورد از جنایات حکومتها و باندهای اسلامی را تحت نام دفاع از ارزشهای اسلامی، مبارزه با فساد و غیره میتوان مشاهده کرد.

در روز عاشورا کنترل اوضاع جهت سرکوب تظاهرات مردم از دست جناح حاکم خارج شد و به این معنا و بدلیل سیاسی شکست مفتضحانه ای خورد. حربه هائی را از دست داده که در واقع پایه های حکومت اش را تشکیل میداده است. در روز قدس تظاهراتی را که خود فراخوان داده بود به ضدش تبدیل شد و بویژه روز عاشورا که بسیار شدیدتر و گسترده تر مردم را در مقابل خود دید. مردم در ایران بوضوح نشان داده اند که خواهان حکومت اسلامی نیستند. جناح مغلوب که کلا در تلاش بود که انگیزه مبارزات و اعتراضات مردم را به "تقلب" در انتخابات محدود کند و ریشه "ناآرامیها" را در افراط و تمامیت خواهی جناح حاکم جستجو کند، گسیج شده است. پیشروی انقلاب و از دست رفتن امیدشان برای حفظ نظام بوحشتشان انداخته است. برخی از تنورسینهای آنها مقالات خود را با تیتر "دلهره

دارم" مینویسند، مردم را از خشونت (بخوان انقلاب) برحذر می کنند و هنوز نمیخواهند بفهمند که حفظ نظام اسلامی غیر ممکن است.

بی شک جناح خامنه ای در صدد خواهد بود که در مقابل مبارزاتی که اساسا خرافه و پایه های سرکوب رژیم را نشانه گرفته است خود را دوباره سازمان دهد.

از طرف دیگر مردم بسیار با تجربه تر شده اند و به رژیم مجال حرکت بمنظور سرکوب را نخواهند داد. هم اکنون اوضاع بگونه ای شده است که اتحاد و همیاری بسیار بیشتری را از مردم طلب میکند. رژیم علیرغم اینکه در وضعیت سر درگمی قرار گرفته و راه پیش و پس ندارد اما مانند هر نیروی ضد انقلاب و ارتجاعی تلاش میکنند که خود را از مهلکه بدر ببرند. بی شک تاکتیکهای متنوعی را بکار خواهد گرفت. از عقب نشینی موضعی و سازش با جناح دیگر بمنظور تجدید قوا، آرام کردن و مهار جنبش انقلابی مردم گرفته تا ایجاد رعب و وحشت، شیوه هائی است که رژیم در پیش خواهد گرفت. تلاش رژیم برای کسب و دسترسی به موقعیتی است که بتواند سرکوب گسترده را دوباره آغاز کند. این رژیم توان جمع و جور کردن صفوف خود را از دست داده و در حال فروپاشی

است. آمادگی و اتحاد بالا در صفوف مردم خشونت و خونریزی نیروهای رژیم را به حداقل خواهد رسانید. به همین دلیل باید دامنه فعالیت نیروهای سرکوبگر را هرچه بیشتر تنگ کرد. به این منظور لازم است که با ایجاد کمیته های انقلابی در همه محلات و محل های کار، خود را حول دفاع از آزادیهای سیاسی، مقابله با یورش اوباشان، ایجاد فضای امن و ارتباط وسیع و گسترده با سایر مناطق سازمان داد. باید در مقابل هر نوع دستگیری و هر نوع تعرض به زنان و دخالت در امور خصوصی افراد، مقابله قاطع کرد. کمیته های محلی در عین حال باید قوانین اسلامی را عملاً با برپا کردن برنامه های مختلف و تشکیل دادن تجمع های وسیع در محلات لغو کنند و خود را برای اعتصاب عمومی، سرنگونی رژیم، شکستن در زندانها و به آتش کشیدن کلیه وسائل شکنجه در مراسمهای پرشور مهیا کنند. مردم باید خود را برای برپائی يك حکومت نوین که متکی به خواست و ارده جمعی مردم به حکومتی که تنها مقدسات آن آزادی و رفاه انسان است آماده کنند.

۳۰ دسامبر ۲۰۰۹

زنده باد حکومت انسانی، برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!

جمهوری اسلامی باید برود! ...

از صفحه ۱



جنایتکار جمهوری اسلامی باید بدانند که هر درجه از ادامه جنایت پرونده هایشان را سنگین تر خواهد کرد و خشم مردم را افزایش خواهد داد.

تلاش جناح مغضوب حکومتی نیز به رهبری موسوی و کروبی و هاشمی برای حفظ حکومت، توسط مردم به جان آمده به شکست کشیده خواهد شد. این جریان و کل ایادی و سینه چاکان و رسانه های مرتجع می خواهند از فضای روزهای اخیر که با مرگ منتظری و ایام مذهبی عاشورا و تاسوعا مصادف بود استفاده کنند و انقلاب بر سرگونی را به حرکتی در چارچوب نظام کثیف اسلامی شان قلمداد کنند. اما این تلاش نیز به جانی نخواهد رسید. جمهوری اسلامی باید برود، هیچ قانون و نهاد و دستگاه حکومت نباید بر سر پا بماند. مردمی که در برابر توحش حاکمین اسلامی سینه سپر میکنند و قربانی می دهند و از پای نمی نشینند، انگیزه اصلی و اساسی و فوری شان خلاص شدن از کل جمهوری اسلامی است. خلاصی از اعدام و زندان و شکنجه و بی حقوقی و تبعیض و تجاوز و فقر و فلاکت و بیکه تازی اوباش حکومتی است. وقتی مردم شعار می دهند "مرگ بر اصل ولایت فقیه" یا "مرگ بر دیکتاتور" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" دارند همین خواست فوری خود را به وضوح بیان میکنند. حزب کمونیست کارگری همچنان که تاکنون اعلام کرده است، تاکید میکند که در مقابل تقلابها و تلاشها و توطئه هایی که برای جلوگیری از سرنگونی جمهوری اسلامی صورت میگیرد خواهد ایستاد. مردم حق دارند از هر مناسبت و بهانه ای برای تظاهرات و شعار دادن علیه حکومت استفاده کنند. وقتی که انقلاب آغاز میشود همه روز روز تظاهرات و شعار دادن است و مردم از هر امکانی برای

شده اند. در برخی نقاط صدای تیراندازی بگوش میرسد. از تعداد زخمی ها و تلفات گزارشی منتشر نشده است. تظاهراتی وسیع امروز نقطه اوجی از انقلاب برای به زیر کشیدن کل بساط جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی باید برود. هیچ راه دیگری جز این مقابل این حکومت نیست. همه چیز بر این تاکید دارد که مردم علیرغم توحش نیروهای حکومت مصممند کار جمهوری

خیایان آزادی، میدان انقلاب، میدان فردوسی، میدان آزادی، تقاطع اسکندری - وصال شیرازی، خیابان سمیه، میدان حر، میدان امام حسین و بسیاری از نقاط دیگر جمعیت انبوهی در حال شعار دادن علیه حکومت هستند و درگیری شدیدی با نیروهای مسلح حکومت جریان دارد. مردم شعار می دهند: "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "این ماه ماه خونه، سید علی



جامعه سوسیالیستی فرامی خواند و همه کارگران و مردم را به پیوستن به پرچم این حزب و آزادی و برابری و حکومت انسانی فرا می خواند. این انقلاب باید به دوره توحش و سرکوب و فقر و ستمگری يك اقلیت مفتخور برای همیشه پایان دهد.

زند باد انقلاب انسانی برای حکومتی انسانی
آزادی برابری حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زند باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ دی ۱۳۸۸، ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

گسترش تظاهرات و شعار دادن علیه حکومت استفاده میکنند. از نظر مردم و از نظر حزب کمونیست کارگری هیچ روز و ساعتی، روز حکومت نیست. جمهوری اسلامی به ریشه مرگ افتاده و عملاً امکان تجمعات دولتی و فرمایشی و مذهبی اش را از دست داده است. این کاری است که مردم با این حکومت تا همینجا کرده اند.

حزب کمونیست کارگری مردم را به تناوم انقلاب تا برچیده شدن کل بساط حکومت جنایت اسلامی و برپایی جامعه ای سکولار و آزاد و برابر و انسانی، برای برپایی يك

سرنگونه"، "تجاوز، جنایت مرگ بر این ولایت، دیکتاتور بدونه بزودی سرنگونه" و شعارهای دیگر. جمهوری اسلامی تلفنها و وسایل ارتباطی را قطع کرده است. از شهرهای دیگری مثل کرمانشاه و شیراز و اصفهان نیز خبر از تظاهرات و درگیریهای گسترده و تیراندازی و کشته و زخمی شدن مردم میرسد. يك گزارش حاکی از این است که در شیراز سه نفر کشته شده اند. در تهران تاکنون شمار بسیاری دستگیر

اسلامی را تمام کنند. تمام تقلاب و لشکرکشی و تهدید و مانور و اختراهای سران حکومت و دستگیرها و زندان و شکنجه و جنایتهای حکومت باز هم نشان داد که قادر به آرام کردن اوضاع نیست. این انقلابی است که آمده است تا به حیات ننگین و پر از جنایت و توحش این حکومت پایان دهد. مردم از پیر و جوان و زن و مرد، میلیونی پا به انقلاب گذارده اند. و قصد کوتاه آمدن ندارند و سران



است و باید با سرنگونی حکومت اسلامی، در ایران نقطه پایانی بر اعدام برای همیشه گذاشته شود. به امید اینکه سال نو در ایران و در دنیا، آغاز شادی و رفاه و آزادی و حرمت بیشتر برای همگان باشد. کلن آلمان - مینا احدی

استثمار را باید در هم پیچید. این روزها دیگر دوره ما است. ریشه این کاخ استبداد و جنایت و خونریزی و سنگسار و اعدام را باید از جا کند. این دوره سیاه حکومت اسلامی را به تاریخ خواهیم سپرد. اعدام قرون وسطایی و وحشیانه

چند روز بعد از این واقعه، میلیونها نفر در تهران و در بسیاری از شهرها به خیابان آمده و رو در روی مزدوران حکومتی ایستاده و به سران حکومت اسلامی اعلان جنگ دادند. این حکومت باید برود. بساط اعدام و قتل و بی حقوقی و ستم و

روز اعدام کند، چرا که این بار پنج هزار نفر در آنجا جمع شده و نگذاشتند، این دو جوان اعدام شوند. حکومت زبونانه، این دو جوان را دزدید و به کرمان برد و شبانه آنها را اعدام کرد. ... دیروز یکشنبه ۲۷ ماه دسامبر،

روزهای آخر سال ..
از صفحه ۵

عظیم ما علیه این حکومت و علیه وحشیگری اسلامی است. حکومت اسلامی دو محکوم به اعدام را نتوانست بعد از ظهر همان

روزهای آخر سال برای من و پاره شدن طناب دار در سیرجان در آخر سال



مینا احدی



آتش زدن سکوی اعدام در سیرجان

میگویند و مردم شهر کوچک سیرجان، اعتماد بنفوس گرفته و از اول صبح به مزدوران حمله میکنند. نگاه کنید که چگونه چند نفر بعد از به دار کشیدن دو جوان اعدامی، آنها را از زیر نگاه میدارند، تا خفه نشوند و دو نفر با سرعت بالا رفته و طنابهای دار را با چاقو پاره میکنند!!! این صحنه را در همه رسانه ها و در دنیا باید وسیعاً منعکس کرد. باید گفت، مردم زجر دیده و عاصی در ایران با این عمل، نفرت و انزجار عمیق خود را از قتل عمد دولتی و کشتار عزیزان خود ابراز میکنند و این بار دیگر در سکوت نظاره گر قتل عزیزان خود نخواهند شد. این بار مردم به میدان آمده و هر صحنه شنیع اعدام را به صحنه، ابراز خشم خود علیه حکومت اعدام تبدیل خواهند کرد. در سیرجان مردم خشمگین سکوی اعدام را آتش میزنند. به این صحنه ها نگاه کنید.

این آتش خشم من و شما و هزاران و میلیونها نفر در ایران است که آرام آرام در سوگ دلارا دارابی، مصلح زمانی، احسان فتاحیان، فاطمه حقیقت پژوه و صدها و هزاران نفر که وحشیانه به قتل رسیدند، و در قتل عزیزترین کسان خودمان اشک ریختیم و قلبمان مملو از نفرت و انزجار علیه این جانپانان شد. این آتش نفرت میلیونها نفر مردم ایران علیه خامنه ای و احمدی نژاد و سیستم و حکومت اسلامی است که با قتل و جنایت و چشم در آوردن دست و پا بریدن زنده است. این آتش انقلاب

صفحه ۴

احساس دو محکوم به اعدام که امروز خبر دار شدم یکی از آنها ۱۹ ساله، یعنی همنم دخترم بود را در یک فیلم تصویر میگردند، بشریت میخکوب این واقعه میشد و همراه قربانیان و والدین و دوستان آنها میگریست! و شاید هم خشمگین و منجز از جانپانان، دست به اقدامی میزد و کاری میکرد.... امروز فیلم این واقعه تکان دهنده و مهم و تاریخی در دسترس عموم است. وقتی عصر روز سه شنبه از من میپرسیدند، چگونه دو نفر را فراری دادند، پاسخ من این بود، به من خبر رسیده که طنابها را از گردن محکومین باز کرده و آنها را نیمه جان نجات داده اند، امروز فیلم این واقعه تاریخی در دسترس ما است. به این صحنه ها نگاه کنید

<http://rowzane.com/fa/announcement-search/62-edam/438-sirja-edam.html>
صدای عصیان و خشم مردمی را گوش کنید که دیگر جانپانان از اینهمه قساوت و بیرحمی به خشم آمده و اولین امکانشان، پرتاب سنگ بسوی جانپانان است. بسوی ماشین حامل دادستان و اعوان و انصار حکومت جنایتکار اسلامی، که با خونسردی به صحنه اعدام می آیند و میخواستند بعد از قتل دو جوان، به محل کار خود رفته و لابد با فرزندان خود به خرید رفته و یا در آرامش صبحانه بخورند....

این روزها ایران آبیستن تحولات مهمی است و اریکه قدرت جانوران اسلامی به لرزه در آمده و میلیونها جوان در تهران و شیراز و کرمان و تبریز به حکومت دیکتاتورها " نه "

میخوانم... من به دلیل فقر دست به این دزدی از بانک زدم. مادر و پدرم خیلی فقیر هستند و برادرم سرطان خون دارد. باید کاری میکردم... برای ما امکان هیچ کاری نیست و باید منتظر باشیم، فرصت هیچ اقدامی را نداریم. چند ساعت دیگر این دو نفر اعدام میشوند....

مثل هر روزی و یا نیمه شبی که قرار است کسی و یا کسانی را اعدام کنند، راس ساعت مورد نظر از جا بلند میشوم و از این اتاق به آن اتاق میروم و آرام و قرار ندارم.... در یک ماه گذشته، این صحنه ها در منزل من بارها تکرار شده است... عکس چهره خندان احسان فتاحیان، مصلح زمانی، بهنود شجاعی و... و بالاخره اجرای حکم اعدام اینها و غم عمیقی در ته دلم. از این اعدام شدگان و دهها و دهها نفری که در سالهای اخیر اعدام شده اند، میتوانی اثری، یاد و خاطره ای در قلب من پیدا کنید....

همیشه با خودم فکر میکنم که چگونه ممکنست در مقابل چشم مادر و پدر، فرزندش را با چنین سببیت و خونسردی بکشند. این چه حکومتی است و اینها چه جلادانی هستند و این صحنه ها تا چه حد وحشیانه و قرون وسطایی است. آماده سازی برای قتل عمد یک نفر در ملاعام.

و خبر از راه میرسد. مردم خشمگین اعدامیها را دیدند! این خبر لحظاتی بعد از واقعه به دست من میرسد و احساسی از شغف و خوشبختی این بار سراغ من می آید. آیا چنین چیزی ممکنست؟ آیا این خبر درست است؟

هنوز مطمئن نیستم و این خبر را علنی نمیکنم. باید اخبار دقیقتری برسد. لحظاتی بعد فرار دو نفر میرسد و ساعتی بعد خبر دستگیری آنها. این واقعه بسیار تکاندهنده است. با خودم فکر میکنم. اگر همین صحنه ها و همین لحظات جنگ و گریز مردم و

اسلامی را مجبور به عقب نشینی کنیم. برای من روزهای آخر سال در اروپا، همیشه با این خاطرات عجیب است و به نوعی از این روزها وحشت دارم....

امروز وقتی لیست چند هزار نفره امضاهای علیه اعدام افسانه نوری را نگاه میکردم، می بینم از تهران و همدان و تبریز امضا کرده



بریدن طناب اعدام توسط یکی از مبارزین بر علیه اعدام

اند و از اسرائیل و لبنان و سوریه و از انگلستان و آلمان و ژلاندنو و... این همبستگی بین المللی علیه جانپانان اسلامی، ماورا مرز و جنگ و جدالهای حاکمین، یک نمونه از همبستگی قلبها بر علیه حکم اعدام دولتی است....

امسال یعنی ۲۰۰۹، در روزهای آخر سال، قلبم تند تند میزند و منتظر چیزی و خبری در مورد اعدامها هستم. انگار عادت کرده ام که خبری تکان دهنده بیاید و فعالیتهای اضطراری در این روزهای تعطیل و کریسمس را شروع کنم و... این خبر می آید.

روز سه شنبه ساعت ۸ صبح ۲۲ دسامبر قرار است اسماعیل فتاحی زاده و محمد اسفندی-ریور را در مقابل چشم همه مردم در شهر کوچک سیرجان به اتهام دزدی از بانک، اعدام کنند. به سرگذشت این دو نفر و سه هم پرونده ای اینها نگاه میکنم. مصاحبه ای با این دو نفر را

روزهای آخر سال ۲۰۰۳ بود و من شهر کلن آلمان، برای کریسمس، تدارک میدیدم. عصر روز ۲۴ دسامبر است و سری به اینترنت میزنم و خبر را می بینم. افسانه نوری در خطر اجرای حکم اعدام! آشپزی را باید نیمه تمام رها کنم و نامه ای برای یوشکا فیشر و

وزارت امور خارجه آلمان بنویسم و سوت عملیات اضطراری را بزنم. تلفن به فعالین کمیته علیه اعدام و مجموعه فعالیت فشرده برای نجات افسانه نوری. و شش سال بعد، هفته پیش وقتی با افسانه تلفنی حرف میزد، باور نمیکنم که این زن دردمند رها شده از سلول مرگ جمهوری اسلامی است که با تولد پسر کوچکش بعد از آزادی او از زندان مادر دو پسر و یک دختر است و با من در مورد مشکلات زندگیش و آسایش برای چاپ دفترچه خاطراتش در زندان حرف میزند....

سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و... تا ۲۰۰۹ همینطور است. خطر اجرای حکم کبرا رحمانپور، خطر اجرای حکم شهلا جاهد و ما باز با وجود تعطیلی روزهای آخر سال، به فعالیتهایی دست میزنیم. میتینگ سازمان میدهیم و به مراکز اورژانس دولتها و اتحادیه اروپا تلفن میزنیم و تلاش میکنیم، حکومت جنایت

دروید بر قهرمانان سیرجان

منصور فرزاد



یورش مردم به سکوی اعدام در سیرجان

رژیم پنهان از انظار مردم این دو نفر را به کرمان منتقل می‌کند و شبانه در زندان کرمان بقتل میرساند.

حمله مردم به ماشین حامل ماموران جوخه اعدام و فراری دادن آنها و به آتش کشیدن سکوی اعدام اشک شوق در چشم بسیاری از کسانی که خبر را شنیدند و یا فیلم این حرکت انسانی و درخشان را دیدند جاری کرد. حرکت مردم در سیرجان و ابراز خشم و نفرت نسبت به ماموران رژیم، انعکاسی از خواست و آرزوی واقعی میلیونها نفر در ایران و سراسر جهان را نشان میدهد. حرکت قهرمانان سیرجان در نجات دادن دو نفر در آخرین لحظات، امید و شور و شوق به زندگی را

چندین برابر کرد و در عین حال ثابت کرد که مردم لبریز از حس انسان دوستی هستند و تنها با تعرض، بعقب راندن مامورین سرکوب و شکنجه و با به آتش کشیدن آلات و ابزار شکنجه و اعدام میتوان عمق انسان دوستی را نشان داد و پیام رهایی را به اقصی نقاط جهان رسانید. چنین وقایعی در تاریخ بی نظیر است و در موارد نادری اتفاق افتاده است. در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۷۸۹ زندان مخوف باستییل در دوران لوسی شانزدهم از طرف مردم

طناب اعدام را در لحظات آخر با چاقو ببرند و اعدامیها را از مرگ نجات دهند. سپس جوانان و مردم خشمگین ماشین ماموران و سکوی اعدام را به آتش میکشند و اعدامیها را به محل امنی منتقل میکنند. نیروهای سیاه و تشنه بخون رژیم محل را کشف میکنند و اسماعیل و محمد را دوباره دستگیر میکنند و میخواهند بعد از ظهر همان روز اعدام کنند. اما هزاران نفر از مردم قهرمان سیرجان تجمع میکنند و مانع اعدام میشوند.



حمله مردم به زندان باستییل و آتش زدن آن

علیه اعدام آفرینند عجیب خواهد شد. مردم و جوانانی که مستقیم در این واقعه شرکت داشتند بحق شایستگی لقب قهرمان را دارند.

همچنین جا دارد دست همه فعالین و مدافعین لغو اعدام و از جمله فعالین کمیته بین المللی بر علیه اعدام و مینا احدی مسئول خستگی ناپذیر این کمیته را بگرمی فشرده

دورد بی کران به قهرمانان سیرجان
زنده باد انسانیت

خشمگین پاریس به آتش کشیده شد. حمله و به آتش کشیدن این زندان بعنوان جرقه انقلاب فرانسه قید شده است.

مورد دیگر قیام پاریس و برپائی حکومت کموناردها در پاریس در سال ۱۸۷۲ است. کموناردها چند هفته بعد از بدست گرفتن قدرت طی مراسمی کلیه وسائل شکنجه در زندانها را در یکی از میدان اصلی پاریس در میان رقص و پایکوبی مردم سرشار از شور و زندگی به آتش کشیدند.

بی شک نام سیرجان با واقعه شورانگیزی که مردم خشمگین بر

در تقابل هم بلکه آزاد و برابر در کنار هم در جامعه ای انسانی زندگی کنند.

سرنگونی و ساقط کردن رژیم جنایتکار اسلامی يك ضرورت برای تمام جهان و بشریت است حکومت اسلامی بعنوان اصلی ترین مانع، باید کنار زده شود و برداشتن این مانع هم فقط کار زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب است که علیه حاکمیت سیاه اسلامی به خیابان آمده اند و دارند میروند تا انقلاب را به پیروزی برسانند.

به امید پیروزی انقلاب
به امید يك دنیای بهتر

که دیگر نمی خواهند برده و بنده این قوانین شنیع و زن ستیز باشند و سی سال است جمهوری اسلامی را به مبارزه طلبیده اند و هر روز با شکل و نوعی از مبارزه، سرنگونی رژیم جنایتکاری را نوید می دهند که سرچشمه ضدیت با انسان و انسانیت است. تا دیگر شاهد اعدام و سنگسار نباشیم. تا بخاطر رابطه خارج از ازدواج که امر خصوصی هر شخصی است به راحتی کسی را نتوان جنایتکار لقب داد و برایش طرح و نقشه قتل و اعدام کشید. تا دیگر زندگی زنان این چنین در فلاکت و بدبختی نباشد و مجبور نباشند بخاطر تأمین زندگی خود و فرزندان شان تن خود را بفروشند. تا دیگر شاهد آزار جسمی و جنسی کودکان نباشیم. و زنان و مردان نه

فاطمه حقیقت پژوه یکی از زنانی بود که بخاطر تأمین زندگی خود و دو دخترش، مجبور به صیغه مردی شده بود که مجبور به کشتنش شد و با اینکار هر دو قربانی شدند و زخم عمیقی بر کودکانش نیز ایجاد شد. بعد هم دیدیم که چگونه وحشیانه توسط جمهوری اسلامی اعدام شد این سنتهای ارتجاعی و ضدانسانی هر روز قربانی تازه ای میگیرند. حکومت متوحش اسلامی هر بار برای تسکین زنان و کلاً مردم به اعدام و سنگسار پناه می برد. اما اینکه چقدر موفق شده است پاسخش را مردمی که امروز در خیابان هستند داده اند و زنانی که خسته از جنایتهای جمهوری اسلامی در حال پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلابی زنانه هستند. زنانی

نگاهی به وضعیت زنان ...

از صفحه ۲

اجبار با او زندگی می کنند آنقدر عادی است که حتی به نظر هم نمی آید. اینگونه زنان بخاطر بی پناهی و ناشستن مأوی، ترس از آوارگی در خیابانها و از دست دادن فرزندانشان هر نوع بی حرمتی و تحقیر و آزارهای جسمی و جنسی را تحمل میکنند و جمهوری اسلامی تن فروشی زنان را به اسمهای گوناگون مانند ازدواج، صیغه دائم و موقت تزیین میکنند. انواع تن فروشی هایی که در جمهوری اسلامی کاملاً قانونی است. زنان بسیاری قربانی نوع تن فروشی میشوند که از نظر جمهوری اسلامی قانونی است.

کودکانی را شنیده ام ویا دیده ام که قربانی ازدواجهای اجباری و قوانین زن ستیز اسلامی شده اند، زنی تعریف میکرد "با وجود اینکه اکنون دو تا بچه دارم هر وقت به چهره شوهرم نگاه می کنم، چهره آن مرد مورد علاقه ام، که نگذاشتند با او ازدواج کنم را در ذهنم مجسم می کنم."

اما مسئله ای که بسیار بارز و حائز اهمیت است این است که زنان برده جسمی و جنسی می شوند تا بتوانند خود و فرزندانشان را تأمین کنند و تن فروشی به مردی که به

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!